



Developmental Prevention in the Teachings of the Qabusnameh

Nahid Tehrani Sabet¹

Abstract

Field and Aims: Criminology is a natural human response to violence and a means of self-defense against it, with a long historical background. Among contemporary approaches, in contrast to situational and punitive perspectives, the developmental crime prevention approach seeks to reduce various harms through developmental strategies. Criminology covers a wide range of areas, one of which is literary criminology, formed at the intersection of criminology and literature. In this field, literary works are analyzed in terms of their compatibility with scientific criminological concepts. Adapting literary content from this perspective can expand criminological studies and contribute to their localization and enrichment. One of the significant literary works suitable for such analysis is the Qabus Nameh, authored by Unsur al-Ma'ali Kaykavus ibn Iskandar ibn Qaboos ibn Voshmgir ibn Ziyar in the fifth century AH.

Method: Using a documentary method and an analytical approach, this research addresses the question of which concepts in this work align with criminological theories and approaches.

Findings and Conclusions: The Qabusnameh is regarded as a compendium of Iranian culture and civilization from the pre-Islamic and pre-Mongol periods. In addition to moral and religious advice, it provides detailed teachings on various life skills. Its recommendations on piety, the pursuit of knowledge, the acquisition of skills, the prevention of poverty, family formation, and the understanding of human nature and needs are particularly noteworthy. This article examines 'Unsur al-Ma'ali's views on the consequences of unsafe caregiving patterns, the nature of crime, the role of rationality and its cultivation in developmental prevention, the social reaction and labeling theory, and the impact of poverty and wealth on criminal behavior.

Keyword: Developmental Prevention, literary criminology, Qabusnameh, didactic literature.

*Citation (APA): Tehrani Sabet, N. (2025). Developmental Prevention in the Teachings of the Qabusnameh. *Applied criminology research*, 3(8), 141-157.
https://www.qacr.ir/article_730111.html?lang=en

1. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran. Email: tehranisabet@cfu.ac.ir





پیشگیری رشدمدار در آموزه‌های قابوس‌نامه

ناهید طهرانی ثابت^۱

چکیده

زمینه و هدف: جرم‌شناسی واکنش طبیعی انسان نسبت به خشونت و دفاع از خود در برابر بیداد است و سابقه‌ای دیرین دارد. از جمله رویکردهایی که امروز مورد اقبال بسیاری واقع شده، در مقابل رویکردهای وضعی و کیفری، رویکرد پیشگیری رشدمدار از جرم است تا از آسیب‌های بسیاری جلوگیری شود. جرم‌شناسی قلمرو گسترده‌ای دارد. یکی از عرصه‌های آن، جرم‌شناسی ادبی است که حاصل تلاقی با ادبیات است. در این حوزه آثار ادبی از حیث تطبیقشان با مفاهیم جرم‌شناسی علمی بررسی می‌شوند؛ بررسی محتوای آثار ادبی از این منظر می‌تواند حوزه مطالعات جرم‌شناسانه را گسترش دهد و در بومی‌سازی و غنای آن مؤثر واقع شود. یکی از آثار ارزشمند ادبی که از این حیث قابل بررسی است، قابوس‌نامه اثر عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر بن زیار متعلق به قرن پنجم هجری قمری است.

روش: این پژوهش با روش اسنادی و با رویکردی تحلیلی به این سؤال اصلی تحقیق پاسخ می‌دهد که چه مفاهیمی در این کتاب با نظریه‌ها و رویکردهای جرم‌شناسی همسویی دارد.

یافته‌ها و نتایج: قابوس‌نامه را مجموعه فرهنگ و تمدن ایران پیش از اسلام و برخی پیش از مغول دانسته‌اند. مجموعه‌ای که در آن علاوه بر پندهای اخلاقی و دینی، مهارت‌های زندگی را با جزئیات آموزش داده است. توصیه به دین‌داری، علم‌اندوزی، مهارت‌آموزی، پیشگیری از فقر، تشکیل خانواده و به رسمیت شناختن انسان و نیازهای او از مواردی است که جلب نظر می‌کند. در این مقاله دیدگاه عنصرالمعالی در باب پیامدهای الگوهای مراقبتی نایمن، ذات جرم، نقش عقلانیت و پرورش آن در پیشگیری رشدمدار، نظریه واکنش اجتماعی - برچسب‌زنی و تأثیر فقر و غنا در ارتکاب بزه بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: پیشگیری رشدمدار، جرم‌شناسی ادبی، قابوس‌نامه، ادبیات تعلیمی.

* استناددهی (APA): طهرانی ثابت، ناهید. (۱۴۰۴). پیشگیری رشدمدار در آموزه‌های قابوس‌نامه. پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی، ۳(۸)، ۱۴۱-۱۵۷.

https://www.qacr.ir/article_730111.html



مقدمه

بسیاری بر این باورند که پیوند عمیقی میان ادبیات و جرم‌شناسی وجود دارد و تطبیق محتوای آثار ادبی از این منظر می‌تواند حوزه مطالعات جرم‌شناسانه را گسترش دهد و در بومی‌سازی و غنای آن مؤثر واقع شود (افشار و محسنی، ۱۳۹۸: ۲). در واقع جرم‌شناسی خواسته یا ناخواسته عرصه محک و آزمایش نظریه‌های فلسفی و جامعه‌شناختی علوم دیگر قرار گرفته است و در این مسیر نمی‌توان از ادبیات و اندیشه‌های ادبی غافل شد (ایمانی، ۱۳۸۲: ۱۳). پیشگیری از جرم بی‌تردید پیشینه‌ای طولانی دارد و از گذشته تاکنون، همواره مورد توجه جوامع مختلف بوده است، به حدی که برخی آن را همزاد بشر دانسته‌اند (جندلی، ۱۳۹۵: ۲۰). راهکارهای مختلفی از جمله: ارباب، ناتوان‌سازی، حذف موقعیت‌های جرم‌زا و... برای این امر در نظر گرفته‌اند؛ اما ناکارآمدی رویکردهای کیفری و وضعی سبب شده است تا رویکردی نوین با عنوان «پیشگیری رشدمدار» محور مطالعات و اقدامات سازمان‌های جهانی قرار گیرد. این رویکرد به جای پیشگیری از جرم به پیشگیری از مجرمیت می‌پردازد. طرفداران آن معتقدند کودکان و نوجوانان بیش از هر گروه دیگری در معرض رفتارهای انحرافی هستند و گرایش به ارتکاب جرم را مسیری تلقی می‌کنند که از دوران کودکی و نوجوانی آغاز می‌شود. آن‌ها نیازمند توجه و حمایت‌اند و دولت‌ها مکلفند تا ایشان را به‌سوی تربیتی عاری از جرم و بزهکاری هدایت کنند. از این‌رو نقش تعلیم و تربیت و نهادهایی همچون مدرسه، خانواده، گروه همسالان و رسانه‌ها مورد توجه بیشتری قرار می‌گیرد. شناسایی عوامل خطر و عوامل حمایت‌کننده از خطرها دو رکن اصلی پیشگیری رشد مدار است (مهدوی، ۱۳۹۰: ۵-۱).

نگرش به اطفال در پیشگیری رشدمدار، نگرشی حمایتی است و اقداماتی که پس از وقوع جرم صورت می‌گیرد، نمی‌تواند به معنای دقیق کلمه، پیشگیری باشد (مهدوی، ۱۳۹۰: ۱۹). این نوع پیشگیری که از خردسالی متناسب با روند رشد کودکان سایه پیشگیرانه خود را طراحی می‌کند، قطعاً می‌تواند بسیار مفید و مؤثر باشد. پیشگیری رشد مدار در واقع یک سرمایه‌گذاری پایدار و دراز مدت است که می‌تواند از خردسالی سنگ بنای برنامه‌های پیشگیرانه را برای کل عمر یک انسان در جامعه نهادینه کند (کرامتی معز، ۱۴۰۳: ۶۶).

این رویکرد در آثار کهن فارسی نیز وجود دارد. مطالعه قابوس‌نامه نشان می‌دهد عنصرالمعالی در این اثر با رویکردی دموکراتیک به تعلیم و تربیت و در چارچوب دین‌مداری، به پند و اندرز پرداخته است. عقلانیت یک عنصر اساسی در تربیت دموکراتیک است. دموکراسی پیش از آنکه مفهومی سیاسی باشد ادبی و فرهنگی بوده است (کریمی، ۱۳۸۲: ۱۴). دیدگاه‌ها و نظریه‌های تاریخی جرم‌شناسی مبتنی بر عقل‌گرایی است و این نظریه‌ها در قالب جرم‌شناسی فلسفی، ادبی، اخلاقی، مذهبی و ما قبل علمی بررسی می‌شوند (کریمی، ۱۳۸۲:

۲۵). در این مقاله ضمن توجه به رویکرد رشدمدار، آموزه‌های عنصرالمعالی در قابوس‌نامه و نحوه استدلال او در پند به فرزند از منظر پیشگیری رشدمدار و خوانش جرم‌شناسانه با روش اسنادی و رویکردی تحلیلی بررسی شده است. سؤال اصلی تحقیق این است که چه مفاهیمی در این اثر با نظریه‌ها و رویکردهای جرم‌شناسان همسویی دارد.

۱. ادبیات نظری

قبل از ورود به بحث اصلی بهتر است به ادبیات نظری پرداخته شود.

۱-۱. پیشگیری رشدمدار

پیشگیری اجتماعی به دو شاخه تقسیم می‌شود: پیشگیری جامعه‌مدار و پیشگیری رشدمدار. در پیشگیری جامعه‌مدار اقدامات پیشگیرانه نسبت به محیط اجتماعی اعمال می‌شود و در پیشگیری رشدمدار عوامل خطر گرایش افراد به ارتکاب جرم در خانواده، مدرسه، گروه همسالان و رسانه که خردتر یا نزدیک به خردند، شناسایی و ارزیابی می‌شود و با تدابیر مناسب پیشگیری محقق می‌گردد. تاریخچه پیشگیری رشدمدار از راهکارهای بیم‌دهنده و آموزش‌دهنده در دهه ۱۹۶۰ آغاز می‌شود و به راهکارهای تقویت خود، آموزش مهارت‌های اجتماعی، احترام به خود، خوش‌بینی و صمیمیت و در سال‌های اخیر بهبود انعطاف‌پذیری و توانمندی است (مهدوی، ۱۳۹۰: ۳۲-۲۸).

نقش عوامل اجتماعی همچون خانواده، مدرسه و گروه همسالان در فرآیند جامعه‌پذیری دانش‌آموزان، به ویژه کسانی که در معرض خطر بزهکاری قرار دارند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نقش حمایت‌های اجتماعی، مانند ارتباطات مثبت خانوادگی و نظارت مؤثر در مدرسه، می‌تواند تأثیرات منفی شرایط خطر را کاهش داده و به تقویت جامعه‌پذیری سالم در این دانش‌آموزان کمک کند (عبداللهی، ۱۴۰۳: ۲۹).

پیشگیری رشدمدار به تحقیقات دیوید فرینگتون و همکارانش نسبت داده می‌شود. او معتقد است؛ بزهکاری جزئی از رفتار ضداجتماعی است که از کودکی آغاز می‌شود. شروع زودرس بزهکاری نشان‌دهنده رفتارهای مجرمانه بعدی است. ریشه‌های شخصیت ضداجتماعی را می‌توان در نوجوانی تشخیص داد و درمان کرد. او پیشگیری رشدمدار را به عنوان مداخله، جهت جلوگیری از رشد پتانسیل جرم در افراد تعریف کرده است. هدف از آن کاهش عوامل خطر و افزایش عوامل حمایت‌کننده و جلوگیری از مجرمیت است. روبرکاریو و گراهام، پیشگیری رشدمدار را مداخله روان‌شناختی - اجتماعی زودرس در پیشگیری از رفتارهای مجرمانه می‌دانند (مهدوی، ۱۳۹۰: ۳۲-۳۴).

۲-۱. جرم‌شناسی ادبی

جرم‌شناسی به عنوان رشته مستقل علمی در نیمه دوم قرن نوزدهم شکل گرفت، اما ریشه در تاریخ زندگی بشر دارد. اندیشه‌های جرم‌شناسانه در گذشته مبتنی بر تفکر و عقل‌گرایی و کمتر وابسته به تجربیات عینی بوده و در دوران تحول خود دو مرحله را طی کرده است: مرحله فلسفی- اخلاقی و مرحله عملی؛ از این رو می‌توان آن را از زوایا و دیدگاه‌های مختلف بررسی کرد. این دیدگاه‌ها در قالب جرم‌شناسی فلسفی، ادبی، اخلاقی، مذهبی و ما قبل علمی بررسی می‌شوند. جرم‌شناسی ادبی جایگاه مهمی در مطالعات غیرعلمی و ما قبل علمی دارد و از تلاقی آن با ادبیات وجود یافته و در واقع جرم‌شناسی به معنای عام است که نوعی انقلاب انسانی در مقابل خشونت و نامردمی به‌شمار می‌رود. روسو، ولتر، سعدی و مولوی به دوره ما قبل علمی تعلق دارند (ایمانی، ۱۳۸۲: ۲۸-۱۹). قابوس‌نامه نیز از جمله آثار است که برای تطبیق جرم‌شناسی با اندیشه‌های ادبی کم و بیش مفید است (ایمانی، ۱۳۸۲: ۷۳).

۳-۱. قابوس‌نامه

قابوس‌نامه یکی از آثار بسیار ارزشمند زبان فارسی، متعلق به اواخر قرن پنجم هجری قمری است. نویسنده کتاب عنصرالمعالی کیکاوس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر بن زیار از امرای زیاری به‌شمار رفته و این کتاب را برای فرزندش گیلانشاه در چهل و چهار باب فراهم آورده است. بر اساس برخی منابع، ظاهراً عنصرالمعالی و پسرش گیلانشاه از جمله زیاریانی بوده‌اند که بعد از منوچهر بن قابوس و غلبه سلجوقیان بر ایران حکومت مستقلی نداشته و تنها به عنوان امیرزاده در قسمتی از طبرستان، «کوهستانات»، باقی مانده‌اند (صفا، ۱۳۶۹: ۲/ ۸۹۸) و بعد از چندی که در اطاعت غزنویان بودند، متقاد سلجوقیان شدند و اسما بر قسمتی از متصرفات زیاران حکومت داشتند (صفا، ۱۳۶۹: ۲/ ۴۶).

نقش دیدگاه‌های تربیتی ایران باستان و تأثیر آن بر قابوس‌نامه را نمی‌توان نادیده گرفت. پند به فرزند در ایران باستان رایج بوده است. بخشی از آموزه‌های تربیتی قابوس‌نامه با عنوان «گفته‌اند» مطرح می‌شود که بی‌نام و نشان است، اما با تأمل بر آن می‌توان آن‌ها را متعلق به حکیمان ایرانی دانست یا دست‌کم حکمت‌هایی که در ایران باستان رایج بوده است. عنصرالمعالی به‌کار بستن سخن‌های انوشیروان را بر خود واجب می‌دانست. غلامحسین یوسفی برای بسیاری از پندهای قابوس‌نامه شواهدی از آیات و احادیث و امثال عربی آورده است. شاید به این دلیل که در این کتاب مرز اندیشه‌های ایرانی و عربی به هم نزدیک شده و تفکیک دقیق آن‌ها دشوار بوده است و شاید به همین سبب است که بهار آن را مجموعه تمدن اسلامی قبل از مغول دانسته است. به اعتقاد برخی قابوس‌نامه آموزش و پرورش پیش از اسلام

در خاندان فرمانروایان است. استاد نفیسی فرهنگ و آیین موجود در قابوس‌نامه را ایرانی می‌داند. حکمت‌هایی در منابع عربی از ایرانیان باستان نقل شده است که تأمل در آن‌ها نشان می‌دهد بسیاری از پندهای قابوس‌نامه متأثر از ایران باستان است (سبزیان پور، ۱۳۹۲: ۵۷-۵۵). ادبیات کودک و نوجوان در معنی وسیع و گسترده آن آثاری است که برای کودکان قابل استفاده باشد. این ادبیات در ایران سابقه‌ای دیرینه دارد و بخش زیادی از ادب کهن ما را دربرمی‌گیرد. ادبیات پیش از مشروطه را از جهتی به سه دسته تقسیم کرده‌اند: ادبیات خواص؛ ادبیات آموزشی؛ ادبیات کلاسیک و فرهنگ عامه. منظور از ادبیات خواص آثاری است که برای گروه‌های خاصی از کودکان و نوجوانان نوشته شده و مراد نویسنده استفاده عموم از آن نبوده است، هرچند می‌تواند برای دیگران نیز مفید باشد. اندرزنانه‌ها از جمله این آثار به‌شمار می‌روند که عموماً برای مطالعه شاهزادگان و امیرزادگان نوشته شده و مضمون آن‌ها درباره اصول و شیوه‌های حکومت و کشورداری است. از جمله این آثار قابوس‌نامه است که در آن تنها درباره آیین حکومت سخن نرفته است بلکه نکات جالبی درباره بسیاری از مسائل زندگی دارد و نخستین اندرزنانه در دوره اسلامی به‌شمار می‌رود (پولادی، ۱۳۹۱: ۳۲).

۲. تطبیق آموزه‌های قابوس‌نامه با مباحث جرم‌شناسی

قابوس‌نامه از متون تعلیمی‌ای به‌شمار می‌رود که حاوی نکته‌سنجی‌های بسیاری درباره انسان و زندگی فردی و اجتماعی اوست و از این منظر که به تعلیم و تربیت می‌پردازد ظرفیت زیادی برای تطبیق با اندیشه‌های پیشگیرانه جرم‌شناسی دارد. موضوع جرم‌شناسی و بالطبع جرم‌شناسی ادبی نیز توجه به روح و روان آدمی و شناخت ماهیت او از حیث بزهکاری و ارتکاب جرم است که به دلیل خویشاوندی با فلسفه و ادبیات می‌تواند معرفت انسانی را عمق بخشد. از این رو بررسی آموزه‌های قابوس‌نامه با این رویکرد، مفید به نظر می‌رسد؛ به‌ویژه آن که این اثر با هدف شکوفایی توانمندی‌های انسان، رویکردی پیشگیرانه دارد.

۲-۱. بزه‌دیدگی ناشی از غفلت، پیامد الگوی مراقبتی نایمن

«مهم‌ترین عاملی که می‌تواند رابطه رفتارهای اجتماعی دوران کودکی و بزهکاری دوره بزرگسالی را قطع کند، برقراری و تحکیم پیوندهای مثبت اجتماعی است که آن را سرمایه اجتماعی می‌نامند... خانواده، مدرسه و همسالان به عنوان متغیرهای کنترل اجتماعی غیررسمی دارای بیشترین تأثیر در بزهکاری اطفال و نوجوانان است» (مهدوی، ۱۳۹۰: ۵۵). هدف و محور اصلی بکارگیری روش‌های پیشگیرانه کنشی، مبارزه با بزه‌دیدگی کودکان در معرض خطر آسیب‌پذیری در برابر تعرضات و تجاوز و بی‌توجهی است، یکی از مهمترین اقدامات برای حمایت کودکان و نوجوان شناسایی کودکان مستعد بزه‌دیدگی است، شناسایی

کودکان در معرض خطر، از طریق گزارش بستگان، همسایگان، مسئولین مدرسه و غیره می‌تواند صورت پذیرد (عبدالهی و کرامتی معز، ۱۳۹۷: ۱۰۵). بزه‌دیدگی ناشی از غفلت و مسامحه و تجربه زود هنگام برخی وقایع ناشی از ارائه الگوی مراقبتی نایمن از سوی برخی والدین است که می‌تواند تهدیدی علیه رشد و سلامت روانی و عاطفی کودکان و نوجوانان باشد (شیخ‌الاسلامی وطنی و همکاران، ۱۴۰۱: ۴۰).

عنصرالمعالی در مقدمه قابوس‌نامه سخنی با فرزند خود دارد که توجه او را به این امر نشان می‌دهد. غفلت نکردن از سرنوشت فرزند و نصیحت و یاری او در مراحل مختلف زندگی از این مقدمه قابل دریافت است. این موضوع در بین پادشاهان ایرانی در دوران باستان و نیز دوره اسلامی نیز مرسوم بوده و چند کتاب با عنوان «پند به فرزند» از این دوران باقی مانده است. آنان خود را موظف می‌دانستند منشوری برای فرزندان خود بنویسند تا آن را همواره بخوانند و در آن بیندیشد تا غرور و قدرت سلطنت او را از اصلاح امور باز ندارد (ابن ندیم، ۱۳۸۱: ۳۱۷ نقل از سبزیان‌پور، ۱۳۹۲: ۵۶). عنصرالمعالی سبب تألیف قابوس‌نامه را در مقدمه ناشی از مهر خویش به فرزند می‌داند و می‌نویسد «تا پیش از آنکه دست زمانه تو را نرم کند تو خود به چشم عقل در سخن من نگری فزونی یابی و نیک‌نامی در دو جهان و مبادا که دل تو از کار بستن بازماند که آنگه من از شرط پدری آمده باشم» (عنصرالمعالی، ۱۳۷۱: ۴). در جای دیگر می‌نویسد: «مهر پدری و دلسوزگی پدران مرا نگذاشت که خاموش باشم» (عنصرالمعالی، ۱۳۷۱: ۴). در بحث ازدواج و تشکیل خانواده نیز، ترویج فرزندان اعم از دختر و پسر را حقی می‌داند که ادای آن بر گردن پدر نهاده شده است و او در این اقدام مهم نقشی اساسی دارد که خود به معنی حضور خرد و تجربه در این امر خطیر است (اسعدی، ۱۳۸۹: ۳۷-۳۶). جرم‌شناسان و روان‌شناسان گسست عاطفی کودک و نوجوان از والدین را مهم می‌دانند. فرزندان که در جوار والدین سرد و غیرمعاشرتی پرورش می‌یابند در مشارکت‌های اجتماعی رابطه‌ای توأم با عدم وابستگی عاطفی نسبت به اطرافیان را تجربه می‌کنند و از همدلی لازم در ارتباطات پایدار بی‌بهره‌اند (شیخ‌الاسلامی وطنی و همکاران، ۱۴۰۱: ۴۰). میزان دلسوزی عنصرالمعالی در نصیحت به فرزند در این کتاب چشمگیر است.

جرج هربرت مید فیلسوف و جامعه‌شناس آمریکایی نظریه‌ای را مطرح می‌کند که از آن به رویکرد نقش‌پذیری تعبیر می‌شود. او معتقد است فرایند مذکور از طریق یادگیری نقش‌های اجتماعی صورت می‌گیرد. آموختن این نقش‌ها سبب درونی شدن ارزش‌ها و التزام به آنها می‌گردد که یکی از نتایج مهم جامعه‌پذیری افراد یا نهادینه شدن الگوهای تربیتی اولیه است (شیخاوند، ۱۳۹۵: ۶۳ نقل از شیخ‌الاسلامی وطنی و همکاران، ۱۴۰۱: ۴۲). پذیرش و درونی کردن نقش‌های اجتماعی از نظر مید بر چهار اصل استوار می‌باشد، که اکتسابی است، آگاهانه یا

ناآگاهانه آموخته می‌شود، طی فرایند تجربه‌آموزی کسب می‌شود، بنابراین یک‌شبه اتفاق نمی‌افتد و دیگر اینکه هنجارهای گروه اجتماعی فرد در نحوه نقش‌پذیری او مؤثر است (ستوده، ۱۳۹۹: ۱۴۰-۱۳۹؛ نقل از شیخ‌الاسلامی وطنی و همکاران، ۱۴۰۱: ۴۲). توجه به این اصول در قابوس‌نامه و نیز در پندنامه‌های پادشاهان ایران باستان نیز از این‌رو که پندهای خود را مکتوب می‌کردند و فرزندان خود را ملزم می‌کردند تا آن‌ها را همواره بخوانند و در آن بیندیشند، دیده می‌شود. این روش قطعاً در شکل‌گیری مبانی فکری و عمل آنان تأثیرگذار بوده است.

۲-۲. ارتباط پرورش عقلانیت با پیشگیری از جرم

گذشتگان عقل را اولین مخلوق خداوند، برترین قوه از قوای وجودی انسان و وجه ممیز او از سایر موجودات به‌شمار آورده‌اند. موهبت ارزشمندی که شاید هیچ‌کس نقصان آن را در خود باور ندارد.^۱ یکی از عناصر بنیادین در شکل‌گیری و تکوین تعلیم و تربیت فعال و خلاق، در جهان جدید عقلانیت است. پرورش عقلانیت و خردورزی یکی از راهکارهای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در کودکان و نوجوانان است تا بتوانند با سلاح تفکر زمینه مواجهه درست با مسائل را دریابند (یاری دهنوی، ۱۳۹۴: ۱۷-۱۵). عنصرالمعالی در کتاب قابوس‌نامه در اغلب موارد از استدلال یاری می‌جوید. بخشی از این استدلال‌ها به عهده حکایات و ضرب‌المثل‌های متن است. او از حکایت به عنوان ابزاری برای انتقال تجربیات خود استفاده کرده است. ساختار حکایت‌های قابوس‌نامه را با داستان‌های مینیمالیسم غربی مقایسه کرده‌اند که ویژگی آن‌ها کم‌حجمی، سادگی و واقع‌گرا بودن و ایجاز آن‌هاست که این امکان را فراهم می‌آورد تا مخاطب بسیاری از آن‌ها را از برکند و راز ماندگاری آن همین است (سبزعلی‌پور و عبدالمهدی، ۱۳۹۱: ۱۷۲-۱۷۱).

عنصرالمعالی درباره انواع عقل می‌نویسد: «در هر بابی نصیحتی کردم و پندی دادم مگر در باب خردمندی که هیچ نمی‌توانم گفت که: به ستم عاقل باش از آنکه عاقلی به ستم نه توان آموخت». به اعتقاد او عقل بر دو نوع است: یکی عقل غریزی و دیگری عقل مکتسب. «آن را که عقل غریزی بود، خرد خوانند و آن را که عقل مکتسب است، دانش خوانند؛ اما هرچه مکتسب است بتوان آموختن و لکن عقل غریزی هدیه خداست آن به تعلیم از معلم بتوان آموخت» (عنصرالمعالی، ۱۳۷۱: ۲۶۳-۲۶۲). بر این اساس عقل موهبتی ذاتی است، اما عقلانیت به نحوه تربیت و یادگیری علم و دانش و حکمت بستگی دارد. از این‌رو تأکید می‌کند که در

۱. «همه کس را عقل خود به کمال نماید و فرزند خود به جمال» (سعدی، ۱۳۷۳: ۱۷۵).

عقل مکتسب رنج ببر و بیاموز تا اگر از خردمندان نباشی از دانایان باشی» (عنصرالمعالی، ۱۳۷۱: ۲۶۳-۲۶۲).

اگرچه عنصرالمعالی معتقد است که عقل غریزی موهبتی است که قابل افزایش نیست، اما در متن به راهکارهای پرورش عقلانیت اشاره کرده است. علم‌آموزی یکی از مواردی است که در این کتاب آشکارا قابل دریافت است. او خود در باب‌های مختلف اطلاعات وسیعی دارد در طب، نجوم، پرورش اسب و جزئیات دیگری که شگفت‌آور است و همه این دانش خود را در اختیار فرزند گذاشته است و به او توصیه می‌کند «هر چه بتوانی آموختن بیاموز که منافع آن به تو باز گردد» (عنصرالمعالی، ۱۳۷۱: ۱۳۶). درباره تربیت فرزند می‌نویسد: «تو فرهنگ و هنر را میراث خودگردان و بوی بگذار تا حق وی گزارده باشی که فرزندان مردمان خاصه را به از هنر و ادب و فرهنگ نیست و فرزندان عامه را میراث به از پیشه نیست. هر چند پیشه نه کار کودکان محتشمانست هنر دیگر است و پیشه دیگر؛ اما از روی حقیقت نزدیک من پیشه بزرگ‌ترین هنرست و اگر فرزندان مردمان خاصه صد پیشه دانند چون بکسب نکنند همه هنرست و هنر یک روز ببرآید» (عنصرالمعالی، ۱۳۷۱: ۱۳۵).

در باب پرورش عقل موارد مختلفی در اسلام توصیه شده است. علم‌آموزی، تجربه‌اندوزی، عبرت‌آموزی، مشورت با خردمندان و معنویت و تقوی از آن جمله است (ایمانی، ۱۳۷۸: ۱۸۸-۱۳۶) و در قابوس‌نامه همه این‌ها توصیه می‌شود. «و نخجیرگاه تو این سرای سپنجی است و نخجیر^۱ تو دانش و نیکبست. پس نخجیر ایدر^۲ کن تا وقت خوردن به سرای باقی آسان توان خوردن که طریق سزای ما بندگان طاعت خداست عزوجل» (عنصرالمعالی، ۱۳۷۱: ۵). چهار باب اول قابوس‌نامه در زمینه دین‌داری است که در پیشگیری از جرم، می‌تواند یکی از عوامل بازدارنده باشد. در رمان «مرگ کسب‌وکار من است» یکی از مراحل که در بررسی زندگی شخصیت اصلی داستان که جنایتکار جنگی است، به عنوان یک عامل مؤثر جنایی شناخته شده، ترک مذهب کاتولیک است (شیخ‌الاسلامی و وطنی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۷).

۲-۳. ذات جرم از دیدگاه عنصرالمعالی و نحوه برخورد با آن

دورکیم معتقد است ذات جرم عادی است و در همه جوامع وجود دارد. تحول مانع جرم نیست. آلبرچ و بن فیگلی نیز با دورکیم موافقت. به نظر آلبرچ، بزهکاران مختصات جسمانی عالم حیوانات را دارند و این نشان‌دهنده زندگی عادی طبیعت است. فیگلی جرایم را پیش از هر چیز پاسخی به نیازهای جسمانی می‌داند. بر این اساس جرم و گناه در آدمی طبیعی و

۱. شکار

۲. اینجا

همزاد او بوده است. انبیا و اولیا نیز بر وجود آن صحه گذاشته‌اند؛ بنابراین صدور گناه بر سبیل خطای در تأویل در باب انبیا نیز جایز است. از سویی ارتکاب جرم در مسیر تنازع بقا طرح می‌شود. در اندیشه سعدی و مولوی و حافظ نیز گناه‌پذیر بودن انسان جزو ذات اوست. عکس این نظر متعلق به فرّی است که جرم را به عنوان حالتی غیرعادی اجتماعی به‌شمار می‌آورد (ایمانی، ۱۳۸۲: ۱۷۲-۱۶۷).

در بخشی از سخنان عنصرالمعالی اندیشه ذاتی بودن گناه به چشم می‌خورد. وی به فرزندش در باب یازدهم در آیین شراب خوردن چنین می‌نویسد: «نگویم که شراب خور، اما نتوانم گفتن که مخور که جوانان به قول کسی از جوانی بازنگردند؛ مرا نیز بسیار گفتند و نشنیدم تا از پنجاه سالگی ایزد تعالی رحمت کرد و توفیق توبه ارزانی داشت... پس اگر خوری دل بر توبه دار و از ایزد تعالی توفیق توبه همی خواه و بر کردار خویش پشیمان همی باش» (عنصرالمعالی، ۱۳۷۱: ۶۶) «و نیز سیکی^۱ خوردن بزه است چون بزه‌خواهی کردن باری بزه بی‌مزه مکن. سیکی که خوری خوش‌ترین خور و سماع که شنوی خوش‌ترین شنو و اگر حرامی کنی با کسی نیکو کن تا اگر اندر آن جهان مأخوذ باشی بدین جهان معیوب و مذموم نباشی» (عنصرالمعالی، ۱۳۷۱: ۷۳). برخی معتقدند وجود چنین مطالبی در قابوس‌نامه سبب شده است که والدین عموماً آن را از دسترس کودکان و نوجوانان دور بدارند (پولادی، ۱۳۹۱: ۳۳) و مخاطب اصلی آن را بزرگسالان بدانند که البته برای کودکان و نوجوانان نیز به سهم خود قابل استفاده است (پولادی، ۱۳۸۷: ۹۳-۹۲). با توجه به شواهد به نظر می‌رسد مقصود عنصرالمعالی از بزه، گناهیانی است که در حوزه فردی قرار دارد و ضرر آن معطوف به خود شخص است و نه دیگران؛ وی در ادامه می‌نویسد: «در هنگام مستی هیچ‌یک از کھتران را ادب مفرمای اگرچه مستوجب ادب باشد که هیچ‌کس آن از روی ادب نشمارد و گویند عربده همی‌کند» (عنصرالمعالی، ۱۳۷۱: ۷۶). در جای دیگر توصیه می‌کند که شراب‌خواری را در خفا انجام دهد. «اما آغاز سیکی خوردن نماز دیگر^۲ کن تا چون مست شوی شب درآمده باشد و مردمان مستی تو را نبینند» (عنصرالمعالی، ۱۳۷۱: ۶۸)؛ و توصیه می‌کند که آن را در دشت و باغ کمتر مرتکب شود چراکه «آنچه زیر آسمان^۳ توان کرد زیر آسمان نتوان کرد» (عنصرالمعالی، ۱۳۷۱: ۶۹).

در قسمت نرد و شطرنج نیز که پیش از این در شرع حرام بوده است می‌نویسد: «و نرد و شطرنج باختن بسیار عادت مکن» و «اگر بازی می‌کنی هرگز به گرو مبارز... بدرم مبارز که بی‌درم

۱. سیکی یا شراب مثلث شرابی است که بر اثر جوشیدن دوسوم آن بخار شده و یک سومش باقی‌مانده باشد (یوسفی، ۱۳۷۱: ۳۰۹).

۲. نماز عصر

۳. سقف

باختن ادبست و بدرم باختن مقامری و اگرچه نیک دانی باختن، با کسی که به مقامری معروف بود مبارز که تو نیز به مقامری^۱ معروف شوی» (عنصرالمعالی، ۱۳۷۱: ۷۸). او مزاح کردن را نیز مقدمه شر می‌داند و فرزند را از آن بر حذر می‌خواهد و می‌نویسد: «سیکی خوردن و مزاح کردن و عشق باختن این همه کار جوانانست. چون حدّ و اندازه نگاه‌داری بر نیکوترین وجهی بتوان کردن و هم بتوان پرهیز کردن چون خرد را کارفرمایی... ندانم که تو به‌جای توانی آوردن یا نه که با دل داوری کردن کاری دشوار است» (عنصرالمعالی، ۱۳۷۱: ۷۹).

در باب چهاردهم درباره عشق‌ورزی می‌نویسد: «تا کسی لطیف طبع نبود عاشق نشود. از آنچه عشق از لطافت طبع خیزد» با این حال می‌گوید «اما تو جهد کن تا عاشق نشوی؛ اگر گرانی و اگر لطیف از عاشقی بپرهیز که عاشقی با بلاست» (عنصرالمعالی، ۱۳۷۱: ۸۰). «پس پیوسته طبع را عشق باختن میاموز و دائم متابع شهوت مباش که این نه کار خردمندان است» (عنصرالمعالی، ۱۳۷۱: ۸۱). او معتقد است که اگر کسی اتفاقی عاشق شود و خودداری پیشه کند، بعد از یک هفته عاشقی را فراموش خواهد کرد؛ زیرا عشق بیماری است و عاشق، بیمار که باید مداوا شود. با این حال می‌نویسد «اگر ترا اتفاق عشق اوفتد دانم که بر قول من کار نکنی»؛ زیرا خود پیرانه‌سر دوییتی^۲ در حال عشق سروده‌ام؛ اما «هرچند که من چنین گفته‌ام تو برین دوییتی کار مکن، جهد کن تا عاشق نشوی» (عنصرالمعالی، ۱۳۷۱: ۸۵-۸۰). در این بخش نیز ناتوانی انسان را در برابر برخی نیازها می‌بینیم. بر این اساس بزه و خطا ذاتی انسان است و کسانی می‌توانند با آن مقابله کنند که از سلاح عقل بهره جویند.

۲-۴. نظریه واکنش اجتماعی - برچسب‌زنی در قابوس‌نامه

نحوه برخورد عنصرالمعالی با خطاهای احتمالی فرزندان، مکتب جرم‌شناسی واکنش اجتماعی - برچسب‌زنی را به خاطر می‌آورد.^۳ نظریه‌پردازان این مکتب معتقدند؛ ویژگی دوره جوانی و نوجوانی آن است که میان دو قطب متعارف و نامتعارف سرگردان باشی، اما سرانجام به‌سوی رفتارهای متعارف زندگی کشیده خواهی شد. درست مانند آنچه عنصرالمعالی درباره شراب خوردن خود در جوانی می‌گفت که بعدها توانست آن را ترک گوید. به اعتقاد ایشان، در این میان واکنش نامتناسب با مجرمان و زدن برچسب مجرمیت امکان دوباره اجتماعی شدن را از آنها خواهد گرفت. از این‌رو نحوه تعامل کنشگران عدالت کیفری و جامعه با مجرمان،

۱. قماربازی

۲. هر آدمی که حی و ناطق باشد / باید که چو عذرا و چو وامق باشد / هر کو نه چنین بود منافق باشد / مؤمن نبود که او نه عاشق باشد

مطابق باور طرفداران این مکتب، علت اصلی ارتکاب جرم از سوی آنهاست (رستمی و جعفریان، ۱۳۹۷: ۱۵۱). این نظریه را نخستین بار اریکسون جرم‌شناس آمریکایی مطرح کرد که بر اساس آن افراد در اثر بازخوردهایی که از جامعه می‌بینند، هویت خویش را می‌سازند و کودکان و نوجوانان در این زمینه آسیب‌پذیرترند.

نکته دیگر اینکه عنصرالمعالی در باب سی و سوم، درباره علم طب جزئیات زیادی را از مزاج‌ها بیان می‌کند و بسیاری از افعال انسانی را تابع آن‌ها می‌داند «چون شجاعت که تابع اعتدال قوت حیوانیست و چون خشم که تابع قوت منفعله حیوانی است و چون عفت که تابع اعتدال قوت شهوانیست و چون حکمت که تابع اعتدال نفس ناطقه است... و آنکه تن را از حال بگرداند آن را اسباب ضرورتی خوانند و این شش قسمست: یکی هوا و دوم طعام و سوم حرکت و سکون و چهارم بیداری و خواب و پنجم گشادگی طبیعت و بستگی، ششم احداث نفسانی چون اندوه و خشم و بیم و مانده این» (عنصرالمعالی، ۱۳۷۱: ۱۷۷). حکمای یونان قدیم نیز سلامت و اعتدال فرد را در ترکیب متناسب و متعادل اخلاط چهارگانه او یعنی صفرا، سودا، بلغم و خون می‌دانستند. بر این اساس افعال انسانی به مزاج و تعادل یا عدم تعادل قوای طبیعی او برمی‌گردد. مثلاً عفت ناشی از اعتدال قوه شهوانی است و از این‌چنین استنباط می‌شود که به اعتقاد عنصرالمعالی برای فرد عقیف چندان امتیازی قائل نیست به همین نسبت جرم نتیجه اختلال در قوا و امیال است، مانند بیماری که نتیجه برهم خوردن تعادل اخلاط است. این موضوع دیدگاهی را که درباره عادی و طبیعی بودن جرم نزد عنصرالمعالی گفته شد، تأیید می‌کند.

۲-۵. تأثیر فقر و ثروت در ارتکاب جرم

گابریل تارد در کتاب «فلسفه کیفری» تأثیر فقر و ثروت در جرم را موضوع نبرد میان دو جناح سوسیالیست و ارتودوکس مکتب تحقیقی (اثباتی) می‌داند. پیروان مکتب ارتودوکس عامل اصلی جرایم ارتكابی فرد فقیر را فقر او می‌دانند؛ اما فری در اثرش با نام «سوسیالیسم و تبهکاری» و گاروفالو در «جرم‌شناسی» می‌کوشند بی‌اعتباری این فکر را ثابت کنند و نشان دهند که ثروتمندان نیز در تبهکاری سهم دارند (ایمانی، ۱۳۸۲: ۱۳۴-۱۳۳). اثبات‌گرایان رفتار را ناشی از ویژگی‌های زیستی، روانی و اجتماعی می‌دانستند. «مطالعات روان‌شناختی اخیر نشان می‌دهد که ممکن است چیزی به نام «شخصیت بزهکار» یا نوعی الگوی فکری متفاوت در میان بزهکاران وجود داشته باشد» (ویلیامز و مک شین، ۱۳۹۱: ۷۸ و ۶۱). با این همه محققان به این نتیجه رسیده‌اند که نوجوانانی که در فقر خانوادگی و مسکن ناکافی و محرومیت اقتصادی قرار گرفته‌اند و از راهنمایی مناسب والدین برخوردار نیستند، دچار خشونت خانوادگی شده‌اند و

در محیط زندگی خود با فرهنگ بزهکاری مواجه‌اند و از مدرسه اخراج شده‌اند، احتمال بیشتری برای ارتکاب جرم دارند (محمد نسل، ۱۳۹۱: ۳۸). خانواده پرجمعیت، پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین خانواده و ... به‌طور غیرمستقیم بر بزهکاری اثر می‌گذارد (مهدوی، ۱۳۹۰: ۵۴).

در میان قدما سعدی و مولوی فقر و درویشی را علت بسیاری از بزهکاری‌ها می‌دانستند (ایمانی، ۱۳۸۲: ۱۳۷-۱۳۳)؛ اما عنصرالمعالی شاید به این دلیل که مخاطبش یک امیرزاده است، تنها باب‌هایی در جمع کردن مال، خریدن برده و ضیاع و عقار دارد. در باب بیست و یکم فرزند خود را به جمع کردن مال دعوت می‌کند و می‌گوید اگر بخشی را به ضرورت خرج کردی در پی آن باش که عوض آن را بر جای نهی که اگر نهی گنج قارون هم بود، سپری شود. همچنین او را به پرهیز از اسراف و کسب درآمد از بهترین راه دعوت می‌کند. «ای پسر خویشتن را از فراز آوردن مال غافل مدار و لکن از بهر چیز مخاطره مکن؛ و جهد کن تا هر چه فراز آوری از نیکوترین روی بود تا بر تو گوارنده بود» «هر آن روزی که قسمت توست خود بیگمان به تو رسد» آنگاه در فواید ثروت و مال چنین می‌گوید «بدان که مردمان عامه همه توانگران را دوست دارند بی‌نفعی و همه درویشان را دشمن دارند، بی‌ضرری که بترین حال مردم نیازمندیست» بعد در ادامه می‌نویسد «بدانکه هر خصلتی که آن ستایش توانگرانست هم آن خصلت نکوهش درویشانست» (عنصرالمعالی، ۱۳۷۱: ۱۰۴).

بحث و نتیجه‌گیری

ادبیات تعلیمی نوعی از ادبیات است که در آن دانشی خاص را تشریح می‌کنند و یا مسائل اخلاقی، عرفانی، فلسفی و غیره را به مخاطب آموزش می‌دهند. این شیوه از گذشته مرسوم بوده است. اندرزنامه‌ها از جمله این آثارند که قابوس‌نامه یکی از آنها است. نویسندگان در این کتاب با جزئیات به آموزش مهارت‌های زندگی به فرزندش می‌پردازد و آن را وظیفه خود می‌داند. مطالب او در چهل و چهار باب کتاب، از دانش وسیع وی خبر می‌دهد و این مفهوم را از آن دوران آشکار می‌سازد که در آن زمان دانستن علوم مختلف فرض بوده است؛ چراکه تفکر دخل و تصرف در دانش و ساماندهی آن است. به همین دلیل عنصرالمعالی نه تنها خود به این امور ملزم بود بلکه آن‌ها را نیز به فرزند خود انتقال می‌دهد. دورانی که عنصرالمعالی به آن تعلق دارد، چندان از عصر خردورزی و ستایش خرد دور نیست. سبک نثر او متعلق به دوره بینابین است که وجه غالب آن نثر مرسل است. علاوه بر آموزش مهارت‌های زندگی مسائل اخلاقی، مذهبی و اجتماعی را نیز گوشزد می‌کند و فنون سروری را نیز به فرزندش می‌آموزد. اطلاعات بسیاری در این کتاب با جزئیات دیده می‌شود که بی‌نظیر است. او در این اثر برای متقاعد کردن مخاطب از استدلال بهره می‌برد و در کنار آن از حکایات مختلف استفاده می‌کند تا تأثیر سخن خود را دوچندان کند و یادگیری را تسهیل بخشد. از خلال توصیه‌های عنصرالمعالی اندیشه‌های جرم‌شناسانه او قابل تحلیل است. غلبه عقلانیت بر این کتاب در استدلال‌ها و راهکارهای او قابل دریافت است. نگاه انسان‌شناسانه او به جرم و عادی شمردن آن از حیث وجود، جالب توجه است. انسان موجودی است که جایز الخطا است. این موضوع در دین اسلام و ادیان الهی مورد تأیید است؛ بنابراین می‌بینیم که او با بزه‌هایی همچون قمار، خوردن شراب، ارتباط با زنان برخوردار می‌ماید دارد به گونه‌ای که تصویری شود آن‌ها را پذیرفته است و به فرزندش اجازه انجام این کارها را می‌دهد. در مقابل از او می‌خواهد که همواره از خداوند توفیق توبه را درخواست کند؛ زیرا به نظر می‌رسد بر این باور است که سخت‌گیری در تربیت اثربخش نخواهد بود. به همین دلیل برخی این کتاب را مناسب کودکان و نوجوانان ندانسته‌اند به دلایل مذکور و نیز صراحتی که او در جزئیات این امور به خرج داده است که البته نگرانی این عده پذیرفتنی است و باید از این کتاب به صورت منتخب برای کودکان و نوجوان بهره برد. در تقسیم‌بندی کتاب‌های مناسب کودکان و نوجوانان این کتاب به گروه خاصی تعلق دارد و برای استفاده عمومی باید مناسب‌سازی شود. در هر صورت عنصرالمعالی گناه را طبیعی می‌داند که مطابق نظر برخی از جرم‌شناسان است. همچنین حمایت‌های خانواده و به خصوص پدر را در این زمینه پررنگ می‌بیند. موضوعی که در جرم‌شناسی نیز بر آن تأکید شده است. روابط گرم و صمیمی با خانواده و اطرافیان نقش حمایتی دارد. همچنین اوضاع

بسامان زندگی و پرهیز از فقر و نداری زمینه‌ساز زندگی دور از بزه است. علاوه بر این‌ها برچسب زدن بر جوانان به خاطر اشتباهات، از موانع رشد و بازگشت بزه‌کاران به زندگی عادی است که در این اثر مواردی از آن دیده می‌شود. این بررسی نشان می‌دهد که کتاب قابوس‌نامه با وجود اینکه مدت‌ها از نگارش آن گذشته است، ارزش بسیاری در آموزش مهارت زندگی دارد و می‌تواند با مباحث جدید فلسفی در حوزه جرم‌شناسی مطابقت داشته باشد. مجال سخن در یک مقاله اندک است و این کتاب نیازمند پژوهش‌های بیشتر و دقیق‌تر است. قابوس‌نامه گنجینه ارزشمندی است که می‌تواند زمینه تفکر و گفتگو را فراهم می‌آورد.

منابع

- اسعدی، مریم السادات. (۱۳۸۹). خانواده در قابوس نامه. بوستان ادب، ۲(۲)، ۴۹-۳۱.
https://jba.shirazu.ac.ir/article_316.html
- افشار، مرتضی و محسنی، فرید. (۱۳۹۸). خوانش جرم شناسانه آثار سعدی در حوزه کجروی کودک و نوجوان. ادبیات و پژوهش های میان رشته ای، ۱(۱)، ۲۷-۱.
https://journals.ihcs.ac.ir/article_4625.html
- ایمانی، عباس. (۱۳۸۲). جرم شناسی در ادبیات: اندیشه های جرم شناسی در آثار سعدی و مولوی. تهران: آرویح.
- ایمانی، محسن. (۱۳۷۸). تربیت عقلانی. تهران: امیرکبیر.
- پولادی، کمال. (۱۳۸۷). بنیادهای ادبیات کودک. چاپ دوم. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- پولادی، کمال. (۱۳۹۱). مروری بر پیشینه ادبیات کودک و نوجوان. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- جندلی، منون. (۱۳۹۵). درآمدی بر پیشگیری از جرم. تحقیق و ترجمه: شهرام ابراهیمی، چاپ دوم. تهران: نشر میزان.
- رستمی، هادی و جعفریان، سید حسن. (۱۳۹۷). گفتمان سیاست جنایی و جرم شناسی در «آخرین روز یک محکوم». پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱۷، ۱۶۰-۱۳۹.
https://jol.guilan.ac.ir/article_2888.html
- سبزیلیور، جهان دوست و عبدالمهدی، فرزانه. (۱۳۹۱). داستانک در حکایت های قابوس نامه و تطبیق آن با مینیمالیسم. سبک شناسی نظم و نثر فارسی، ۱۵، ۱۷۲-۶۱.
<https://www.magiran.com/paper/1091385>
- سبزیان پور، وحید. (۱۳۹۲). بررسی دیدگاه های تربیتی ایرانیان باستان در قابوس نامه. پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، ۵(۱۷)، ۸۶-۵۱.
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/973870>
- سعدی شیرازی. (۱۳۷۳). گلستان، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی. تهران: انتشارات خوارزمی.
- شیخ الاسلامی وطنی، گلاویژ؛ آشوری، محمد؛ مهرا، نسرین و مهدوی ثابت، محمدعلی. (۱۴۰۱). جریان دو زندگی: مسیر تکوین شخصیت جنایی در پرتو خوانشی جرم شناسی از کتاب مرگ کسب و کار من است. تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۵۲، ۶۰-۳۵.
- <https://sanad.iau.ir/Journal/jlap/Article/799469/FullText>
- صفا، ذبیح الله. (۱۳۶۹). تاریخ ادبیات در ایران. جلد دوم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- عبدالمهدی، سامان و کرامتی معز، هادی. (۱۳۹۷). پیشگیری از بزه دیدگی ناشی از بی توجهی به اطفال در سیاست جنایی ایران. مطالعات پیشگیری از جرم، ۱۳ (۴۶)، ۱۹۹-۱۰۵.
- http://cps.jrl.police.ir/article_19230.html
- عبدالمهدی، سامان (۱۴۰۳). نقش عوامل اجتماعی در جامعه پذیری دانش آموزان در معرض خطر. پژوهش های جرم شناسی کاربردی، ۲ (۳)، ۵۲-۲۹.
https://www.qacr.ir/article_717883.html

- عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر. (۱۳۷۱). قابوس‌نامه. به اهتمام و تصحیح غلامحسین یوسفی. چاپ ششم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- کرامتی معز، هادی (۱۴۰۳). جرم‌شناسی (طرح مباحث نوین در دانش جرم‌شناسی). چاپ دوم. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کریمی، عبدالعظیم. (۱۳۸۰). سازه‌های تربیت و دموکراسی، عقلانیت، مدنیت، معنویت. تهران: وزارت آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- محمد نسل، غلامرضا. (۱۳۹۱). مبانی پیشگیری از جرم، تهران: نشر میزان.
- مهدوی، محمود. (۱۳۹۰). پیشگیری از جرم (پیشگیری رشد مدار). تهران: سمت.
- ویلیامز، فرانک پی و مک شین، ماری لین دی. (۱۳۹۱). نظریه‌های جرم‌شناسی. چاپ چهارم. تهران: نشر میزان.
- یاری دهنوی، مراد. (۱۳۹۴). درآمدی بر برنامه فلسفه برای کودکان. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- یوسفی، غلامحسین. (۱۳۷۱). تصحیح قابوس‌نامه. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.